

## دولت علویان در طبرستان (۳۱۶ - ۲۵۰)

علویان در دوران خلافت امویان و عباسیان یکی از جریان‌های معارض و سنتیزه گر با حکومت‌های نامشروع بودند. به همین دلیل از روزگار حاجج بن یوسف (۹۵-۹۷) به تدریج، هم برای گریز از فشار امویان و عباسیان و هم به دست آوردن فضاهای تازه، به مناطق شرقی روی آوردند. به تدریج با حضور علویان در این مناطق، زمینه دوستی نسبت به آل علی (ع) فزونی یافت و به دنبال آن بود که قیام‌هایی چون قیام یحیی بن زید در خراسان (۱۲۵) و قیام عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب در نواحی مرکزی ایران و همچنین قیام شریک بن شیخ مهری در بخارا به وقوع پیوست.

علویان به دلیل گرایش‌ها و حرکت‌های ضد حکومتی، همواره مورد تعقیب بودند و به اجراب به دنبال پناهگاه می‌گشتند. یکی از این پناهگاه‌ها مناطق جنوبی سلسله کوه‌های البرز و شهرهای جبال بود. طبیعی بود که عوامل حکومت امکان دستیابی شان به مناطق کوهستانی کمتر بود.

یحیی بن عبدالله از جمله علویانی بود که از زمینه‌های سیاسی منطقه طبرستان بهره گرفت و در سال ۱۷۵ در منطقه دیلم بر ضد هارون الرشید شورید. زمانی که وی از طرف «شروین بن سرخاب» از آل باوند مورد حمایت واقع نشد، با هفتاد تن از یاران خود نزد حاکم دیلم از آل جستان رفت و از طرف او مورد حمایت قرار گرفت.

حمایت حاکم آل جستان موجب گرایش بیشتر مردم تحت امر او نسبت به یحیی گردید و در نتیجه، شمار بسیاری با وی بیعت کرده و او را به پیشوایی پذیرفتند. زمانی که هارون حمایت جستانیان و مردم را از یحیی دید، فضل بن یحیی بر مکی را به آن منطقه گسیل نمود، او نیز با ارسال هدایای ارزشمند، حاکم جستانی را به عدم حمایت از یحیی متلاud نموده و حتی او را وادر به صلح نمود.

به این ترتیب یحیی با از دست دادن حامیان خود، مقاومت برابر خلیفه را بی نتیجه دید و به پیشنهاد صلح فضل و گرفتن امان نامه برایش از هارون تن داد؛ شگفت آن که بعد از مدتی به دستور هارون بر اساس بهانه‌های واهی در سال ۱۷۶ (یا ۱۸۰) به شهادت رسید (بنگرید: مقاتل الطالبین: ۴۷۹).

مهاجرت علویان در دوره‌های بعد نیز ادامه یافت. در شرایط بسیار دشواری که متولی خلیفه عباسی (۲۳۲-۲۴۷) برای علویان ایجاد کرده بود، مهاجرت علویان به منطقه امن طبرستان‌شتاب

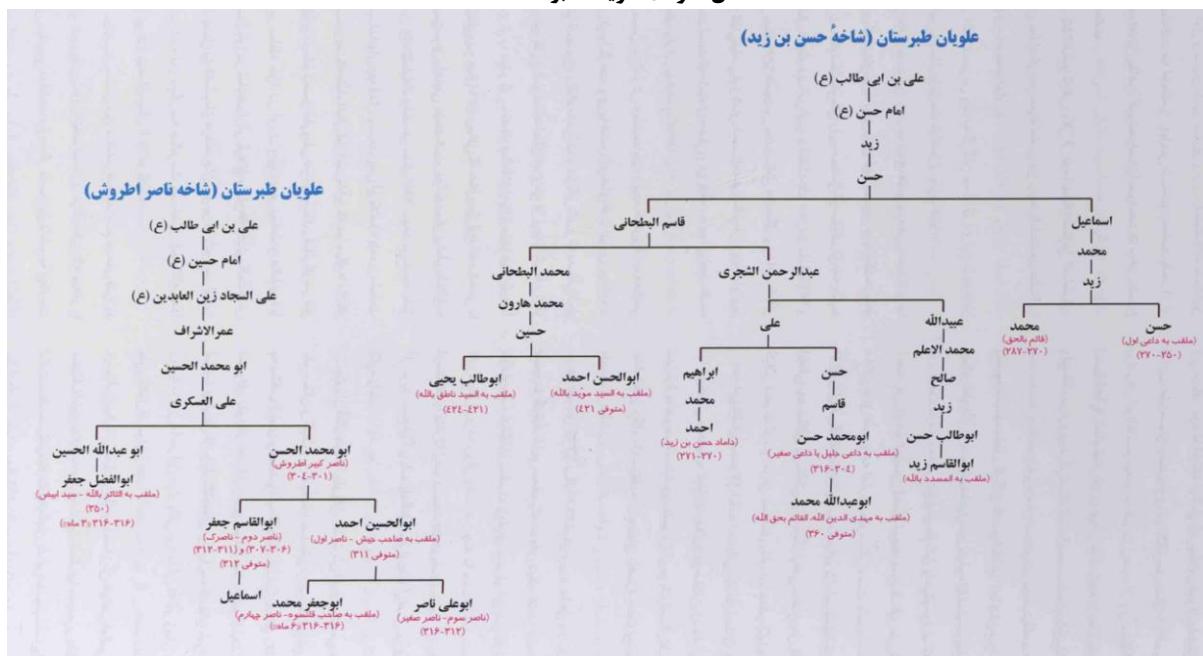
بیشتری گرفت. حضور روز افزون علیان در پی مهاجرت های متوالی که تا نیمه قرن سوم ادامه داشت، به تدریج در ازهان و افکار مردم طبرستان تأثیر می گذاشت و مقدمات تحول عمده ای را فراهم ساخت.

در سال ۲۵۰ جرقه تشکیل نخستین دولت علوی در طبرستان زده شد. این جرقه، چنان که گذشت، رویدادی بود که ریشه در تحولات پیشین داشت. عاملان طاهری در طبرستان به مردم ستم می کردند و به تدریج خشم مردم را بر انگیختند. شخصی با نام جابر بن هارون نصرانی زمین های بی مالک دیلم و گیلان را به نام امیر طاهری به تصرف در می آورد. این رویدادها زمینه شورشی را فراهم کرد که علیان رهبری آن را در دست گرفتند.

دو برادر با نام های محمد و جعفر - فرزندان رستم - که به نظر شیعه می آیند، نفوذ چشمگیری در این منطقه داشتند. آنان یکی از علیان مقیم طبرستان با نام محمد بن ابراهیم را به یاری خواستند. وی حسن بن زید علوی را که در شهر ری اقامت داشت، به آنان معرفی کرد. آنان حسن را به طبرستان دعوت کردند و او پذیرفت. وقتی به طبرستان آمد، همه مردم آن ناحیه، از چالوس تا رویان و مازندران با او بیعت نمودند.



محل نمودار علویان طبرستان



حسن بن زید، ملقب به داعی اول یا داعی کبیر، در نخستین اقدام، شهر آمل و سپس شهر ساری و ری را متصرف شد. این حوادث باعث شد که مستعين عباسی سخت وحشت کند. او از محمدبن عبدالله بن طاهر، امیر خراسان، خواست تا برابر حسن بن زید بایستند.

در سال ۲۵۵ مفلح ترکی، یکی از فرماندهان نظامی عباسیان، به طبرستان حمله کرد و سپاه حسن بن زید را شکست داد، اما موفقیت جدی به دست نیاورد.

در سال ۲۵۷ حسن بن زید به گرگان حمله کرد و این شهر را از تصرف طاهريان خارج کرده، بر قلمرو خود افزود.

در سال ۲۶۰ حسن بن زید، به دلیل هجوم یعقوب صفاری به دیلم گریخت، اما یعقوب به دلیل بدی هوا مجبور به بازگشت شد. حسن بن زید حکومت خویش را بر بخشی از مازندران به مدت بیست سال ادامه داد. در این فاصله یک بار در سال ۲۶۲ و بار دیگر در سال ۲۶۶ احمد بن خجستانی به جنگ وی آمد، اما او با کمک گرگانی ها برابر شان ایستاد. سکه ای از روزگار وی بر جای مانده است که شعار «علی ولی الله» روی آن حک شده است (سکه های ایران از آغاز تازنده: ۱۷۴).

پس از حسن، برادرش «محمد بن زید» معروف به داعی صغیر جای او را گرفت. وی با دشواری های فراوانی روبرو بود. نخست با ابوالحسین، داماد داعی کبیر درگیر شد و به سختی آمل را از دست وی خارج نمود. دشمنان بیرونی او ری و گرگان را از وی گرفتند و او به دیلم گریخته در پناه قارن بن رستم قرار گرفت.

بعد از مدتی، در سال ۲۷۹ زمانی که عمرو بن لیث به دشمنی با رافع برخاست، وی با داعی متحد شد و در جرجان و طبرستان به نام محمد بن زید خطبه خواند. در سال ۲۸۷ محمد بن زید، طی نبردی با سامانیان به قتل رسید. پس از کشته شدن محمد، طبرستان تحت سلطه سامانیان در آمد، تا آن که در سال ۳۰۱ بار دیگر یک علوی به نام ناصر اطروش در طبرستان قیام کرد و این منطقه را زیر سلطه خود در آورد. وی زیدی مذهب و عالم بود و توانست اسلام را در مازندران و گیلان بیش از پیش گسترش دهد. بعدها حسن بن قاسم، از فرماندهان وی بر او شورید، اما در نهایت تسليم شده بار دیگر به حکومت جرجان گماشته شد. ناصر کبیر در ۲۵ شعبان سال ۳۰۴ درگذشت.

با آغاز حاکمیت حسن بن قاسم، ابوالقاسم جعفر فرزند ناصر، بر او شورید و آمل را تصرف کرد. از آنجایی که جعفر با مردم تعامل مناسبی نداشت، بار دیگر حسن بن قاسم به حکومت طبرستان برگشت. وی طی دوران حکومتش علاوه بر دشمنان خارجی مانند امیر خراسان،

سیمجرور دواتی، با فرزندان ناصرنیز درگیر بود تا آن که از آمل گریخت و ابوالحسین احمد به امارت طبرستان رسید. وی در ۲۹ ربیع‌الثانی سال ۳۱۱ درگذشت و برادرش ابوالقاسم جعفر به قدرت رسید. از وی سکه‌ای موجود است که آیه انما ولیکم الله روی آن حک شده و علاوه بر آن «علی ولی الله» بر روی دیگر سکه آمده است (سکه‌های اسلامی ایران از آغاز تا حمله مغول: ش ۳۶۵). در این زمان مردم در دو منطقه به دو گروه تقسیم شدند: بخش گرگان که در اختیار «ماکان بن کاکی» از امرای علويان بود، با اسماعیل فرزند ابو القاسم جعفر که کودک بود بیعت کردند، بخش دوم مردم گیل و دیلم بودند که با ابوعلی محمد فرزند ابوالحسین احمد، بیعت نمودند. ابوعلی توانست بر ماکان فائق شده و به امارت طبرستان دست یابد.

پس از درگذشت وی مردم با برادرش ابوجعفر بیعت کردند. اندکی بعد ماکان بن کاکی، بار دیگر داعی حسن بن قاسم را به گیلان دعوت کرد و موفق شد آمل را از ابوجعفر بگیرد. در این زمان نصر بن احمد سامانی به طبرستان یورش برد، اما موفقیتی به دست نیاورد. علاوه بر ماکان، اسفار بن شیرویه‌نیز وارد عرصه سیاسی طبرستان و خراسان شده گاه با سامانیان و گاه با استفاده از برخی رهبران علوی حملاتی به طبرستان داشت.

در نبردی که در سال ۳۱۶ میان وی و داعی در نزدیکی آمل صورت گرفت، داعی به همراه عده‌ای دیگر کشته شد. قاتل داعی، مرداویح، بنیانگذار سلسله زیاری بود. از آن پس دولت علويان طبرستان رو به زوال رفت، هر چند تا مدت‌ها امارت بخش‌هایی از منطقه را با تزلزل در دست داشتند، اما حضور آل زیار و سپس آل بویه مانع از آن شد که آنان بتوانند با آرامش بر اریکه قدرت تکیه زنند.

یکی از آثار دولت علويان، گسترش اسلام شیعی در نواحی طبرستان و گیلان بود. بخش عمده‌ای از این گسترش اختصاص به مذهب زیدی و بخشی به مذهب امامی تعلق داشت. ناصر اطروش خود از امامان زیدی بود و پس از درگذشت او، تا به امروز مزارش از زیارتگاه‌های زیدیه به شمار می‌آید. مذهب زیدیه تا قرن‌ها در این دیار باقی بود تا آن که در زمان صفویان به طور کامل از میان رفت.

با این حال، از همان زمان و بعد از آن، مذهب امامی در نواحی مختلف طبرستان به ویژه شهر ساری حضور داشت. ظهور دانشمند بر جسته شیعه ابن شهرآشوب سروی (م ۵۸۸) نشانه‌ای از حیات جامعه امامی در آن ناحیه است.